



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۲/۱۷

فرستنده: سیدعبیدالله نادر

## تربیه طالبان توسط ملا های کم علم و ملا های کم سواد

اکثریت طالبان در کمپ های مهاجرین، در صوبه سرحد و کوئته بزرگ شده و در مدارس پاکستانی که توسط ملا های کم علم افغانی، و یا احزاب اسلامی بنیاد گرای پاکستانی پیش برده می شود، درس خوانده اند، آنها مبادی اسلام احادیث تغیر قوانین شرعی را از ملا های کم سواد و کم معلومات افغانی، و ملا های تند رو و افراطی پاکستانی، آموخته اند، نه معلمین نه شاگردان (طالبان) تعلیمات رسمی در ریاضی ساینس، تاریخ و جغرافیه ندارند، بسیاری ازین جنگاوران جوان حتی از تاریخ کشور شان اطلاع ندارند. و داستان جهاد را علیه شوروی نمی دانند، این بچه ها یک دنیا از مجاهدین که در جریان جهاد دهه پی هشتاد با آنها آشنائی پیدا کرده بودم، فاصله دارند، مجاهدین از قوم، قبیله و نسب خود مطلع بودند، زمین باغ قریه خود را به یاد داشتند، از تاریخ وطن شان بیاد داشتند، از تاریخ وطن شان و از داستان جهاد علی شوروی معلومات وافر داشتند، بر خلاف این بچه جوان ها متعلق به نسلی اند، که وطن خود را در جنگ با اشغالگران شوروی و یا در زمان صلح ندیده اند، قوم، قبیله، بزرگان، و همسایه های خود را نمی شناسند، نژاد و نسب خود را نمی دانند، قریه و وطن را ندیده اند، چنان معلوم می شود که طالبان زباله های آشغال که در ساحل بحر باقی می ماند در نتیجه جنگ و کشمکش قی و استفراغ شده اند، طالبان نه پیوندی به گذشته دارند، و نه هیچ طرحی برای آینده، فقط حال برای شان مطرح است، آنها یتیمان جنگ بدون ریشه و بدون وظیفه اند، محرومیت های اقتصادی و خود شناسی اندک آنها را ناقرار گردانیده است، بخاطری به جنگ رو آورده اند، که دیگر مصرفیتی ندارند، عقیده بسیط، اسلام ناب و خالص که از جانب ملا های ساده و کم علم قریه، بر آنها القا گردیده، یگانه تکیه شان است، و به زندگانی شان تا حدی معنی بخشیده است، طالبان هیچ گونه مهارتی ندارند، و حتی از مسلک عنعنوی پدران و اجداد خود، که زراعت و مالداري و صنایع دستی بود، بی بهره اند، به اساس تفکیک کارل مارکس طالبان را می توان کارگران لمپن افغانستان خطاب کرد، بر علاوه طالبان آگاهانه و خوش به رضا در اطراف مفکوره برادری اجتماع کاملاً مردانه که از طرف رهبران شان ایجاد گردیده، تجمع نموده اند، اکثریت طالبان محصول دوران جنگ اند،

و در محیط مردانه جدا از زن و بدون داشتن مادر و خواهر و خویشاوندان زن بزرگ شده اند. شماری در محدوده های مدارس پاکستان و در کمپ های مهاجرین زیر نظر مردان که گشت و گذار جنس زن در آن آسان نبود، کلان شده اند، حتی به اساس معیار های جوامع بسته و محافظه کار پشتونی که مردان و زنان خویشاوند در جوار هم زندگی میکنند، طالبان حیات مشقت باری داشته و هیچ وقت محبت جنس مخالف را ندیده، و با زنی محشورو همراه و هم صحبت نبوده اند.

از طرفی ملا های کم سواد به مراتب به آنها گوشزد نموده اند، که زن منبع وسوسه و گناه است، انسان را از اطاعت و عبادت خداوند دور می سازد، به این پندار زمانیکه طالبان قندهار را تصرف نمودند، زنان را در حصار خانه های شان محصور ساختند، مکاتب را بروی شان بستند، و آنها را از انظار عامه دور کردند، و این عمل را وظیفه خود تلقی کردند، طالبان با زنانی که نیم نژاد بشری را تشکیل میدهد دشمنی می ورزند، و از آنها ترس و نفرت دارند، زیرا از ملا ها بار بار شنیده اند، که مقهور سازی زنان وظیفه ایمانی و اساسی ایمان داران است. این طرز تفکر و روش، طالبان را از مجاهدین سابق متمایز می گرداند،

از کتاب طالبان

نویسنده: احمد رشید

مترجم: عبدالودود ظفري

فصل دوم هرات ۱۹۹۵

تحت عنوان قشون شکست نا پذیر

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ